

«دروغ مصلحت آمیز»

تحشیه‌ای بر عبارات افصح المتکلمین

در مقاله فاضلانه استاد بس ارجمند محیط طباطبائی تحت عنوان «هفتصدمین سال وفات سعدی» جملات زیر شایسته بحث و بررسی است :

« در هندوستان قدرت نفوذ تربیتی سعدی بدرجه‌ای مؤثر و مخالف منافع خارجی تشخیص داده شده بود که حکومت کمپانی شرق زبان فارسی را از دیوان و دفتر و مدرسه هند برداشت دسته‌های مرسلین و مبلغین عیسوی برای اینکه اثر سخن سعدی را در ذهن مردم درس خوانده هند ناچیز کنند، باب عشق و جوانی را بهانه کردند و گلستان را «مفسد اخلاق» شمردند و عبارت مقایسهٔ میانهٔ دو شر را دستاویز مبارزه باخیر قرار دادند .
چهل و اندی سال پیش از این «نیز» نویسنده‌ای خواست بدست آویزی که صد سال پیش از آن دشمنان زبان پارسی در هند به گلستان و صاحب آن بعد طرفداری از «دروغ مصلحت آمیز» حمله کرده و شکست خورده بودند در برخی از جرائد داخلی همان نغمه را به لحن دیگری ساز و زمزمهٔ مخالفت با سعدی را آغاز کند و غیره »

دلالت ضمنی این قسمت از مقالهٔ استاد چنان است که اکنون زبان بد خواهان بریده شده و باشکستی که خورده‌اند به کنجی خزیده و ازا برازمخالفت پرهیز داشته و از ایراد نسبت‌های بی پایه و ناروا بمقام معنوی صاحب گلستان دم فرو بسته‌اند .

حمل بر جسارت نباشد با حرمت بسیار خاطر عالم فاضل را مستحضر می‌دارد که چون اوقات شریف ایشان کلا در مصاحبت با دانشمندان و به کتاب و کتابت و مؤانست و مؤالفت با محققان می‌گذرد این توهم بر ایشان پیدا شده است «که عدوان شکست خورده‌اند» .

گذری به مدارس متوسطه و فیض دیدار و شناخت آنان که مختصر خط و ربطی دارند مؤید این حقیقت خواهد بود که کم نیستند افرادی که صرفاً به استناد استنباط نامعقول از چند جملهٔ گلستان و اخذ مفاهیم نادرست از آنها این اثر جاویدان «به معنای اخصر» و برخی دیگر از آثار کلاسیک ادبیات فروزان ایران را «به طور اعم» مضر و مفسد می‌شمارند .

مایهٔ نگرانی اینجاست که صاحبان این طرز تفکر را اکثراً جوانان که رسالت پاسداری فرهنگ کشور را به عهده دارند تشکیل می‌دهند . تصور می‌کنم در بین ما ایرانیان این ذوق

بیشتر از مردم سایر ملل وجود دارد که به منظور انسجام سخن پیوسته کلام خود را به مناسبت حال و مقام و زمان و مکان با حدیث و خبر خاصه با شعر آرایش و چاشنی بخشیده و رنگین سازیم و از شواهد مستدل و متقن شعر برای تحکیم استدلال خودیاری و یآوری بخواهیم .

نیت از عرض این مطالب آنکه جا دارد محققان و دانشمندان چون حبیب‌نعمائی—محیط طباطبائی—محمد علی اسلامی ندوشن—باستانی پاریزی و دیگر نویسندگان دانشمندیان و فیما وقت و همت خود را به این نکته نیز معطوف فرموده و گاهگاه عبارت و امثله و ایاتی را که مورد استعمال زبان محاوره است و اگر مفهوم اصلی آنها روشن نشود با شرننگ تردید و انکار روح و فکر مردم ما را مشوب و مسموم می‌سازد مورد بحث و تدقیق قرار دهند تا بخواست خداوند خویشان بیگانه شمشیر بیندازند و از در دوستی و مودت در آمده به گنجینه فرهنگ خودمباهی شوند و پاسداری آن را صمیمانه به عهده بگیرند .

باعنوان کردن استدعای بالا این اندیشه درمن قوت گرفت که جسارت را بنایت برسانم و خود مختصراً برای مثال، عبارت «دروغ مصلحت‌آمیز» را زمینه بررسی قرار دهم . لازم می‌دانم این نکته را تذکر دهم که نگارنده به هیچ وجه قصد تحقیق و تتبع ادبی ندارد و چنان وظیفه خطیری را مجموعاً خارج از صلاحیت خود می‌داند . اگر سعی بنده منجر به جلب توجه معنوی دانشمندان گرامی بشود احساس بس غرور و سرافرازی خواهد کرد .

عبارت دروغ مصلحت‌آمیز در نخستین داستان باب اول گلستان آمده و این باب بنام «در سیرت پادشاهان» معنون است . داستانهای این فصل جملگی نمایشگر مسائل اخلاقی حکام و راه و رسم حکومت و شامل مواظ و نصایح و معارف و حقایق است . آزاد منشی و بی‌پروائی استاد سخن سعدی در تجویز داروی تلخ نصیحت آنچنان باشد بلاغت و لطافت درهم آمیخته است «که مدعیانش گمان برند که حلواست» . او چشم طمع از احسان صاحبان حشمت و جلال فرومی‌بندد و دلیرانه مصلحت ایشان و جامعه را متذکر میشود . حتی آنجا که مدح ممدوح خود ابو بکر بن سعد بن زنگی را و جهت خود ساخته است از خدمتی که از آن متفکر برمی‌آید کوتاهی نمی‌کند و دلیرانه به اندرز دادن وی می‌پردازد :

بنوبندد ملوک اندرین سپنج سرای کنون که نوبت تست ای ملک به عدل گرای
و آنجا که قدح و نکوهش عمله جور ضرور است با بی‌پروائی کامل گم گشتگان وادی
غرور و غفلت را به شاهراه حقیقت و عدالت رهنمون می‌گردد :

دزدی بی‌تیر و کمان می‌کند عامل ظالم بستان قلم
فهم ندارد که زیان می‌کند؟ آنکه زیان میرسد از وی به خلق

چنین شخصیتی با چنین آزاد منشی باب اول گلستان را برای حکومت تدوین کرد . حال برگردیم به حکایت اول . داستان از این قرار است :

«پادشاهی . . . به کشتن اسیری اشارت کرد . . . بیچاره در حالت نومیدی
ملک را دشنام دادن گرفت ملک پرسید چه می‌گوید؟ یکی از وزرای نیک محضر گفت
ای خداوند : همی گوید . و الکاظمین الغیظ والعافین عن الناس ۱ ملک را رحمت آمد و

از سرخون او در گذشت وزیر دیگر که بر «ضد» او بود گفت ابناى جنس ما را نشاید که در محضر پادشاهان جز بر راستی سخن گفتن ۱. این، ملک را دشنام داد و ناسزا گفت. ملک روی از این سخن درهم آورد و گفت: مرا آن دروغ پسندیده تر آمد از این راست، که روی آن در «مصلحتی» بود و بنای این بر «خبثی»، و خردمندان گفته اند «دروغی مصلحت آمیز به که راستی فتنه انگیز».

هر که شاه آن کند که او گوید حیف باشد که جز نکو گوید
موضوع راست و دروغ در شریعت مقدس نیز مورد مذاقه بوده است. در اینجا به حکم
ضرورت از شرح مقدس استعانت می جوئیم .

→ والله يحب المحسنين : آیه ۱۲۸ سوره آل عمران . (آیه ۱۳۳ یا ۱۳۴ هم مذکور است.)
ترجمه آیه شریفه از این قرار است : کسانی که دروغ و تنگدستی، توانگری و درویشی
انفاق می کنند و در حالی که قدرت بر انتقام کشیدن دارند خشم خود را فرومی خورند از نیکو-
کارانند و خداوند نیکوکاران را دوست می دارد .

حضرت رسول میفرماید : هر که خشم خود را فرو خورد خداوند سبحانه و تعالی دل او
را به نور ایمان منور کند . و نیز از آن حضرت روایت است که صاحب قدرت کسی نیست که
مردمان بر زمین زند بلکه کسی است که مالک نفس خود باشد و غضب خود فروبرد . از محمد
(ص) مروی است هیچ جرعه ای گوارا تر از فرو بردن خشم نیست . روایات زیر نیز از آن
حضرت است هیچکس نباشد که عفو کند مگر اینکه خدای تعالی او را عزیز گرداند .
. . . . در روز قیامت منادی ندای دهد کجا هستند کسانی که اجر ایشان با خداوند نداشت
پس بر نمی خیزند جز آنانکه گناه دیگران را بخشیده اند .

. . . . روایت است که فرمود در شب معراج دراعلی درجات بهشت کوشکها دیدم . از
جبرئیل پرسیدم اینها کراست ؟ گفت الکاظمین الغیظ والعافین عن الناس .

در خبر است که کنیزی به دست حضرت سجاد علیه السلام آب می ریخت ظرف بسر آن
حضرت خورد و جراحت وارد شد . از کثرت درد قیافه حضرت بهم فرو رفت . کنیز گفت
یاسیدی ان الله يقول و الکاظمین الغیظ . امام لبخندی زد و فرمود تطمعت غیظی . کنیز گفت
والعافین عن الناس . حضرت فرمود عفا الله عنک . کنیز گفت والله يحب المحسنين . علی بن الحسین
علیه السلام رو باسمان کرد و فرمود برو که در راه خدا آزادی .

۱- در صحیحہ معاویة بن عمار آمده است : المصلح لیس بکذاب . « اصلاح دهنده
دروغگو نیست » .

از ابی عبدالله علیه السلام نقل است که فرمود کلام به سه قسم است : راست ، دروغ ،
اصلاح پرسیدند اصلاح چیست ؟ فرمود از یک نفر ناهنجاری علیه کسی می شنوی و خلاف آن
را به طرف مقابل می گوئی که شنیدم فلانی از تو به نیکی یاد می کرد .

از علی بن موسی الرضا نقل است که فرمود بدرستی که مردی به رفیق خود راست می گوید
و از این حرف راست به او ناراحتی و مشقت می رسد او نزد خدا دروغگواست و بدرستی که مردی
به برادرش دروغ می گوید و با این دروغ اراده نفع او را می کند او نزد خداوند راستگواست

مقدمه باید به عرض برسانم که اصل غیر قابل تردیدی در اسلام وجود دارد که از موارد برتری و ارتقاء حیثیت اسلام بر سایر ادیان است و آن اصل «ترجیح اهم بر مهم» در تکالیف و استقلال عقل بوجوب «اقل القبیحین» در محذورات است. برای مثال فرو رفتن در آب مبطل روزه است ولی اگر روزه دار شخصی را در حال غرقه شدن در آب دید مکلف به نجات جان اوست و این غوطه خوردن در آن موجب شکستن روزه او نخواهد بود. روزه مهم است و جان آدمی اهم و این ترجیح، یک ترجیح منطقی است که در اسلام به صورت یک اصل متقن در آمده است.

در مورد راست و دروغ نیز در مواردی چند این اصل رعایت می شود که حتی ممکن است با اتیان سوگند نیز همراه باشد. ۱

الف: تغییر عنوان زکوة به هدیه در مورد افرادی که عزت نفس و حیثیت اجتماعی آنان اجازه پذیرش و استفاده از زکوة را نمی دهد دروغ مأجوری است.

فرض اینست که عزیزی خواریده و سرنوشت او را به عسرت کشانده و از نداد معنای چیزی با وی نمانده است، ولی حفظ آبرو اجازه اینکه دست نیاز به مال زکوة دراز کند به او نمی دهد. در چنین حال زکوة دهنده می تواند به دروغ متوسل و اظهار کند که این مال، زکوة نیست و هدیه ایست که قبول آن مباح است.

ب: وعده دروغ به افراد تحت الکفاله: اگر افراد تحت تکفل تقاضائی از متکفل خود بنمایند که بر آوردن آن از توانائی مالی او خارج باشد چنانچه متکفل وعده دروغ بدهد معفو است. پدري است نیازمند، فرزندان از وی لباس نو می طلبند با اینکه می داند بهیچ وجه از عهده انجام این مسؤل بر نخواهد آمد به دروغ وعده می دهد که درخواست کودکان خود را اجابت خواهد کرد. شرع مقدس چنین وعده ای را دروغ نمی شناسد.

ج: استفاده از دروغ برای جنگ: در این جا اجازه می خواهد مثال را از جنگ دوم جهانی انتخاب کند. فرانسه در اشغال آلمان هیتلری است. تنی چند از ملت فرانسه برای رهایی کشور و مردم خود از یوغ اسارت بیگانه جمعیت مقاومت ملی تشکیل می دهند. حال فرض کنیم یکی از افراد این جمعیت به دست آلمانیها اسیر می شود. از او، تعداد، محل، و برنامه کار جمعیت استعمال می گردد و او برای حفظ موجودیت کشور و صیانت جان هم میهنانش بدروغ متوسل می شود چنین دروغی بنا بحکومت عقل با استفاده از اصل الضرورات تبیح المحذورات

۱ - روایات زیر مؤید این امر است:

الف: قال احلف بالله كاذباً ونج اخاك من القتل.

ب: قال الصادق علیه السلام: اليمين على وجهين الى ان قال فاما اليمين الذي يوجر - عليها الرجل اذا حلف كاذباً ولم تلزمه الكفارة فهو ان يحلف الرجل في خلاص امر مسلم او خلاص ماله من متعدي تعدى عليه من خالص او غيره: فرمود سوگند بردن نوع است اما سوگندی که با اتیان آن، شخص مأجور است و آن هنگامی است که کفاره لازم نباشد و آن درحالیست که برای رهایی جان و یا مال مسلمان از تجاوز اتیان سوگند شود.

و مجموعاً با استفاده از اخبار و احادیثی که در دست است. مجاز می باشد. چه ، بیان حقیقت در چنان محضری با سرنوشت و حیات يك کشور بازی می کند.

د : مورد دیگر که در بحث حکایت سعدی آمده است دروغ برای اصلاح ذات البین است. اگر شخصی به دیگری پرداخت و شنونده برای اصلاح بین آن دو گفته ها را نشنیده گرفت و اظهار داشت : فلانی از توبه نیکی یاد می کرد ، چون اساس بقاء و پیشرفت جامعه بر تفاهم بین مردم و ایجاد افزایش اعتماد متقابل بنیان نهاده شده است چنین دروغی که مصالح جامعه را در بر دارد گناه نیست و کلمه «مصلحتی» که در داستان سعدی آمده مأخوذ از همین اصل است و در برابر آن بنای «راست» وزیر دیگر بر «خبث» و نتیجه آن از هم پاشیدگی رشته و داد بین سلطان و رعیت بوده است که باموازین شرعی و عقلی قابل انطباق نمی تواند باشد . ۱

با ذکر مقدمه بالا حال اگر بمصدق «حفظت شیئاً و غابت عنك اشیاء» مردمی باشند که جزئی از کلام را بگیرند و نا بخردانه آنرا ملاک و بهانه اتهامات ناروا و موهن به ساحت مقدس ادبیات غنی و با ارزش کشور ما قرار دهند و مفهوم عالی و انسانی آن را از یاد ببرند و یا بسیاری از مردم با سوء استفاده از معنای مجازی این عبارت نيات پلید خود را در جامه این مفهوم گسترده بپوشانند و بی شرمانه به دروغ توسل جویند ، این ردالت موافق رای بلند سعدی نیست .

۱- درسه مورد اخیر روایتی است از امام صادق علیه السلام: کل کذب مسئول عنه صاحبه یوما الا کذباً فی ثلاثة رجل کاید فی حربه فهو موضوع عنه و رجل اصلىح بین اثنتين یلقى هذا بغير ما یلقى به یرید بذلك الاصلاح و رجل وعداهله شیئاً و هو لا یرید ان یتمله : هر دروغ گوئی روزی مسئول است مگر درسه مورد : مردیکه هنگام جنگ حيله کند و کسی که بین دو نفر آشتی دهد و بیکی سخنی را بگوید که طرف دیگر بیان نکرده باشد و نیت وی اصلاح آن دو باشد و نیز مردیکه بخانواده خود وعده دهد و حال آنکه قدرت انجام دادن آن را نداشته باشد .

فریدون مشیری

کتاب

پنهان به برگ برگ تو ، اعجاز آفتاب
ای خوب جاودانه، ای دوست، ای کتاب

ای باغ پر سخاوت اندیشه های ناب
جان من و تو ، هرگز ، از هم جدا مباد